



ساز و کار مرده‌ی کردن امنیت در حال عملی شدن است

فرمانده‌ی انتظامی تهران بزرگ با بیان اینکه بحث سازوکار مرده‌ی کردن امنیت در پایتخت از گرفتارن در حال تبدیل شدن به عمل است، بر استفاده از ظرفیت مرده‌ی برای تأمین امنیت تأکید کرد. به گزارش خبرنگار ما، سردار حسین رحیمی در همایش باظنین دولتی و شوراهای معتمدین پلیس که صبح دیروز در فرماندهی انتظامی پایتخت برگزار شد، با بیان اینکه بحث سازوکار مرده‌ی کردن امنیت در پایتخت از گرفتارن در حال تبدیل شدن به عمل است، افزود: مرده هر جا که مشارکت کردند، پیروز و موفق بودیم و ما از ظرفیت مردم باید استفاده کنیم؛ بحث استفاده از پلیس افتخاری، معتمدان، بسیجیان و حتی بازنشستگان در دستور کار پلیس تهران قرار دارد.

سردار حیمی با بیان اینکه اقدامات هوشمندانه نیروی انتظامی طراحی معاونت اجتماعی است، گفت: قرار گرفتن پلیس و مردم در کنار هم و استفاده پلیس از دیدگاه‌های جامعه و عملیاتی کردن خواسته‌های مردم برعهده معاونت اجتماعی است. وی درباره برخورد با جرائم اقتصادی هم گفت: ما آتش به اختیار را در برخورد با اخلالگران اقتصادی شروع کردیم و در حوزه امنیتی اگر تحرکی ایجاد شود که امنیت و آرامش شهروندان و نظام را هدف گرفته باشد، پلیس با اقتداری هوشمندانه با آن برخورد خواهد داشت. سردار رحیمی با اشاره به اینکه پلیس به عنوان متولی امر در بحث امنیت باید در تمام مسائل ورود پیدا کند، گفت: همکاری پلیس و مردم و معتمدان مردم باعث بهتر شدن امنیت مردم می‌شود.



دستگیری بانده فروش سکه‌های طلا با گردش مالی میلیاردی

اعضای بانده جعل سکه‌های طلا و سرقت خودروهای مدل بالا، دستگیر شدند. سردهسته اصلی بانده هنگام دستگیری با کلتی گم‌ری که همسرا داشت به زندگی‌اش پایان داده بود.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل گزارش‌هایی درباره فروش سکه‌های جعلی، سرقت‌های خودروی مدل بالا با تصادف ساختگی به پنهان خرید از سایت دیوار به پلیس گزارش شد. بدین ترتیب تیمی از کاراگاهان پلیس آگاهی پایتخت به دستور دادیار شعبه اول دادسرای ویژه سرقت تحقیقات خود را برای شناسایی متهمان آغاز کردند. بررسی‌های مأموران نشان داد اعضای بانده که چهار مرد و دو زن جوان هستند مدتی است این بانده را تشکیل داده و همزمان با سرقت خودروهای مدل بالا به پنهان خرید از سایت دیوار اقدام به ضرب سکه‌های جعلی و فروش آن به طلافروشی و صرافی می‌کنند. مأموران در تحقیقات بعدی دریافتند اعضای این بانده که چندی قبل به کارگاه خانگی طلاسازی در جنوب تهران دستپرز زده و لوازم و وسایل ضرب سکه و طلاها را سرقت کرده و پس از آن با ورق‌های برنجی اقدام به ضرب سکه‌های جعلی می‌کنند. مأموران در نهایت دو سر کرده این بانده را به نام‌های فرشاد و بهرام که هر دو از سارقان سابقه‌دار بودند و گردش مالی میلیاردی داشتند شناسایی کردند تا اینکه ۵ ماه اسمال پس از شناسایی مخفیگاه فرشاد در حوالی میدان بهارستان برای دستگیری وی وارد عمل شدند. اما فرشاد که مسلح به کلت گم‌ری بود وقتی خود را در محاصره مأموران دید با شلیک گلوله‌ای به سرش به زندگی‌اش پایان داد. پس از این حادثه مأموران بهرام و سه نفر دیگر اعضای بانده را شناسایی و دستگیر کردند.

متهمان پس از انتقال به دادسرا به جرم خود اقرار کردند. بهرام گفت: ما سکه‌های تقلبی را از طریق دو زن اعضای بانده که یکی دختر مورد علاقه من و دیگری دختر مورد علاقه فرشاد بود به طلافروشی‌ها و صرافی‌های فروخته‌ای ما علاوه بر فروش سکه‌های تقلبی افرادی که در سایت دیوار خودروهای مدل بالایی مثل بی‌اوم، بنز و لند کرور برای فروش آگهی داده بودند شناسایی می‌کردیم و به پنهان خرید با آنها قرار می‌گذاشتیم که در محل قرار یکی از اعضای بانده تصادف ساختگی با خودرو مورد نظر انجام می‌داد و در فرصتی که صاحب آن پیاژه می‌شد ما خودرو را سرقت می‌کردیم. همچنین فرشاد با جعل مدارک شناسایی خود را وابسته به مراکز دولتی معرفی می‌کرد و از فروشگاه لوازم صوتی به صورت اسقاط لوازم می‌خرید و به این شیوه از آنها کلاهبرداری می‌کردیم. اعضای دیگر بانده هم حرف‌های سردهسته بانده را در بازجویی‌ها تأیید کردند. در حالی که متهمان با ۳۰۰ شلیک روه‌رو هستند قاضی پرونده دستور داد چهره آنها بدون پوشش در روزنامه‌ها چاپ شود تا افرادی که به این شیوه مورد کلاهبرداری و سرقت قرار گرفته‌اند برای شناسایی متهمان به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

مسافر کشی با خودروی سرقتی

مرد سارق که با خودروی سرقتی مشغول مسافر کشی در شمال تهران بود، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، سرگرد یوسف سهیل آبادی، فرمانده واحدهای گشت انتظامی قرارگاه شمال تهران گفت: روز گذشته مأموران گشت به یک خودروی مسافربری با پلاک مخدوش مظنون و بعد از توقیف خودرو متوجه سرقتی بودن خودرو شدند. بعد از آن بود که راننده بازداشت شد و مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: بیکارم و به خاطر اینکه در آمدی نداشتم مجبور به سرقت خودرو و مسافر کشی با آن شدم که گرفتار پلیس شدم. سرگرد سهیل آبادی افزود: متهم به همراه خودروی سرقتی کشف شده تحویل کلانتری محل شد.

نامه به پلیس راز مامای نوزاد فروش را برملا کرد



پرونده مامایی که در زیرزمین خانه‌اش اقدام به سقط جنین غیر قانونی می‌کرد با بر ملا شدن راز فروش نوزاد به افراد پولدار وارد مرحله تازه‌ای شد. به گزارش خبرنگار ما، چندی قبیل نامه‌ای از شهروندی به اداره پلیس رسید که نوشته بود مامای میانسالی در خانه‌ای حوالی غرب تهران اقدام به فروش نوزاد و سقط غیرقانونی جنین می‌کند. نویسنده نامه که خواسته بود نامش فاش نشوند خودش راز دوستان ماما معرفی کرده بود و نوشته بود چندین سال است که ماما را می‌شناسد و به چشمان خود دیده‌است که او به صورت غیر قانونی اقدام به سقط جنین می‌کند و الان تصمیم گرفته است تا کارهای غیر قانونی او را برملا کند. پس از بدست آوردن این اطلاعات مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی مامای متخلف به دستور قاضی سهرابی بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران آغاز کردند. بررسی‌های مأموران نشان داد متهم که زن ۴۰ ساله‌ای به نام آتوسا است از مدتی قبل خانه‌ای در حوالی یکی از خیابان‌های غربی تهران اجاره کرده و به صورت غیر قانونی اقدام به سقط جنین می‌کند که در نهایت او را بازداشت کردند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس منکر جرم خود شد و ادعا کرد که ۱۰ سال قبل به صورت غیرقانونی اقدام به سقط جنین می‌کرده‌است. چند سالی است که مرتکب خلافی نشده‌است. در حالی که تحقیقات از متهم ادامه داشت، نامه دیگری به اداره پلیس رسید که نشان می‌داد وی علاوه بر سقط جنین، نوزاد زسان فقیر را به افراد پولدار فروخته است. همچنین صاحب نامه آدرس خانواده‌ای که چهار سال قبل نوزاد پسری را از آتوسا خریده بودند در اختیار پلیس گذاشت. بررسی‌های بعدی مأموران حکایت از این داشت مامای متخلف همزمان با سقط جنین، نوزاد زنان بی‌سرپرست، فقیر و کارتن خواب را به افراد پولدار می‌فروخته است. بنابراین مأموران به دستور بازپرس به سراغ خانواده امیر رفتند و از آنها تحقیق کردند. پدر امیر در بازجویی‌ها به خرید نوزاد از

کشف محموله گوشت قرمز احتکار شده

رئیس پلیس امنیت تهران بزرگ، از کشف سردخانه محل نگهداری غیر قانونی گوشت قرمز در خیابان ستارخانه خبر داد. به گزارش خبرنگار ما، سردار علی ذوالقدری گفت: صبح دیروز مأموران پلیس امنیت تهران بزرگ موفق به شناسایی یک سردخانه در منطقه ستارخان شدند که در بازرسی از این محل مشخص شد چندین تن گوشت قرمز که تاکنون باید در سطح بازار توزیع و در اختیار شهروندان قرار داده می‌شد، در این سردخانه احتکار و نگهداری شده‌است. در حال حاضر هماهنگی‌های لازم با مرجع قضایی انجام شده و اقدامات لازم جهت توزیع محموله چند تنی گوشت قرمز کشف شده در دستور کار قرار گرفته‌است.

نظافتچی سارق بازداشت شد

رئیس کلانتری ۱۶۴ قائم از دستگیری خانم جوانی خبر داد که در پوشش نظافتچی اقدام به سرقت کرده بود. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ حسین مافی گفت: چند روز قبل یکی از ساکنان شهرک یاس در بلوار ارتش به کلانتری خبر داد که خانه‌اش مقدار زیادی طلا و پول سرقت شده است و به نظافتچی ساختمان مظنون است. سرهنگ مافی گفت: با هماهنگی صاحبخانه، نظافتچی به بهانه نظافت به محل کشانده شد و در همان محل تحت بازجویی قرار گرفت و به جرمش اعتراف کرد. متهم مدعی بود با توجه به شناختی که نسبت به خانه محل نگهداری طلا و جواهرات داشت در آخرین حضور خود، تمامی اموال را سرقت کرد. در ادامه با هماهنگی قضایی، متهم در اختیار کاراگاهان پایگاه یکم آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت تا در صورت شناسایی شکات احتمالی دیگر، تحقیقات مورد نظر در این رابطه به عمل آید.

بازجوی قلبی گرفتار پلیس شد

مردی که با نشان دادن تجهیزات پلیسی به رهگذری در شرق تهران مشغول بازجویی از او بود، بازداشت شد. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ رسول بهرامی، رئیس کلانتری تهران نو گفت: شامگاه‌شنبه به مأموران کلانتری خبر رسید یکی از مأموران پلیس مشغول بازجویی از رهگذری در محدوده خیابان مسیل منوچهری است. از آنجا که هیچ کدام از مأموران کلانتری به آن محل اعزام نشده بودند تیمی از مأموران در محل حاضر شده و متوجه شدند مرد مظنون با لباس و تجهیزات نظامی خودش را با جرم معرفی کرده و مشغول بازجویی است که مشخص شد او پلیس قلبی است که بازداشت و به کلانتری منتقل شد. وی ادامه داد: تحقیقات برای شناسایی جرائم بیشتر متهم در جریان است.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی لاریجان

شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۲۵٫۸۵ متر مربع خریداری مع اواسطه از آقای محسن وکیلی مالک رسمی. - ۳۳۷۱ فرعی از ۲۸ فرعی آقای محسن واحدی اسک فرزند محمدرضا نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۲۶۴٫۳۴ متر مربع خریداری بدون واسطه از آقای محمدرضا واحدی اسک مالک رسمی. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۲ آئین نامه مربوطه این آگهی در نو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه مجلسی / کیرالانتشار در شهرا منتشر و در روزتاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به ارای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روزتاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. مترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میبایرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا اعتراض ارائه نکند اداره ثبت میبایرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت متابع و مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدنهی است برابر ماده ۱۳ این آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا متضرر به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل جباری شیاده فرزند سید عزیزالله نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۲۶ متر مربع خریداری بدون واسطه از آقای مرتضی جعفرزاده مالک رسمی. فرزند نواله نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۸۱٫۰۴ متر مربع خریداری بدون واسطه از آقای نواله جعفرزاده مالک رسمی. - ۲۶۰ فرعی از ۱۲۲ فرعی خاتم طاهره شیعی فرزند محمدهلی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۹۲٫۹۴ متر مربع خریداری بدون واسطه از استشهادهی محلی مالک رسمی. - ۱۹۶ فرعی از ۸۱ فرعی آقای اسماعیل اکبری فرزند ابوالقاسم نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۸۷٫۶۳ متر مربع خریداری بدون واسطه از استشهادهی محلی مالک رسمی. - ۱۹۶ فرعی از ۱۰۰ فرعی آقای اسماعیل اکبری فرزند ابوالقاسم نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۸۷٫۶۳ متر مربع خریداری بدون واسطه از استشهادهی محلی مالک رسمی. - ۱۹۶ فرعی از ۸۱ فرعی آقای اسماعیل اکبری فرزند نواله نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۷۵٫۴۴ متر مربع خریداری مع اواسطه از خاتم ملوک توکل مالک رسمی. - ۴۸ بخش ۴ - ۱۹۶ فرعی از ۸۱ فرعی خاتم مجتبی دلارستانی فرزند حسام نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۷۵٫۴۴ متر مربع خریداری مع اواسطه از خاتم ملوک توکل مالک رسمی. - ۵۴ بخش ۴ - ۳۵۹ فرعی از ۱۲۶ فرعی آقای مرتضی جعفرزاده فرزند نواله نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۸۱٫۰۴ متر مربع خریداری بدون واسطه از آقای نواله جعفرزاده مالک رسمی. اولین جلسه رسیدگی به پرونده اولیای‌دم درخواست قضایی کردند سپس متهم خلاف اظهاراتش جرمش را انکار کرد و گفت در قتل نقشی نداشته است. در پایان هیئت قضایی بنا با اظهارات اولیه متهم و مدارک موجود در پرونده، آن مرد را به قصاص محکوم کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و بعد از تأیید آن در حالیکه متهم در آستانه مرگ قرار داشت به دلیل عدم پرداخت تضاضل دپه از سوی اولیای‌دم و عدم اجرای حکم، وی بعد از گذشت ۱۱ سال از حادثه درخواست تعیین تکلیف کرد. به این ترتیب پرونده صبح دیروز بار دیگر روی میز هیئت قضایی در همان شعبه به ریاست قاضی زالی قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه متهم در جایگاه ایستاد و گفت: «قبول دارم زمان حادثه به قتل اعتراف کردم اما باور کنيد در مرگ همسرم نقشی نداشتم. برای به دنیا آمدن دخترم خیلی انتظار کشیدم و حالا او ۱۱ ساله است و من همچنان در زندانم و بزرگ شدن او را ندیدم». در پایان متهم بنا شد و تحت بازجویی قرار گرفت. وی در بازجویی‌ها در شرح ماجرا گفت: «من و

همسرم بچه‌دار نمی شدیم اما شش سال بعد از درمان به خواست خدا صاحب فرزند دختر شدیم. من به دخترم - شیرین - خیلی علاقه‌مند بودم و سلامتی جسمی و روحی‌اش برایم خیلی مهم بود». متهم در ادامه گفت: «معلم زبان عربی هستم و وقتی بعدازظهر از مدرسه به خانه برمی‌گشتم سعی می‌کردم در کارهای خانه به همسرم کمک کنم». از اومی خواستم صبح‌ها فقط به بچه برسد اما او رفتار خوبی با دخترمان نداشت و حتی به بچه شیر نمی‌داد. نعیمه خیلی عصبی شده بود به همین دلیل بارها از او گلله کردم اما فایده نداشت و نسبت به بچه خیلی بی‌تفاوت بود». متهم در خصوص قتل گفت: «روز حادثه از مدرسه به خانه آمدم و متوجه شدم شیرین گریه می‌کند. از همسرم خواستم او را ساکت کند اما گفت حوصله ندارد و رفت خوابید. عصبانی شدم و سرش داد کشیدم سپس به اتاق رفتم و ناخواسته دستم را روی گلویش فشار دادم. وقتی به خودم آمدم فهمیدم نفس نمی‌کشد». بعد از اقرارهای متهم، وی روانه زندان شد و پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده اولیای‌دم درخواست قضایی کردند سپس متهم خلاف اظهاراتش جرمش را انکار کرد و گفت در قتل نقشی نداشته است. در پایان هیئت قضایی بنا با اظهارات اولیه متهم و مدارک موجود در پرونده، آن مرد را به قصاص محکوم کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و بعد از تأیید آن در حالیکه متهم در آستانه مرگ قرار داشت به دلیل عدم پرداخت تضاضل دپه از سوی اولیای‌دم و عدم اجرای حکم، وی بعد از گذشت ۱۱ سال از حادثه درخواست تعیین تکلیف کرد. به این ترتیب پرونده صبح دیروز بار دیگر روی میز هیئت قضایی در همان شعبه به ریاست قاضی زالی قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه متهم در جایگاه ایستاد و گفت: «قبول دارم زمان حادثه به قتل اعتراف کردم اما باور کنيد در مرگ همسرم نقشی نداشتم. برای به دنیا آمدن دخترم خیلی انتظار کشیدم و حالا او ۱۱ ساله است و من همچنان در زندانم و بزرگ شدن او را ندیدم». در پایان متهم بنا شد و تحت بازجویی قرار گرفت. وی در بازجویی‌ها در شرح ماجرا گفت: «من و

همسرم بچه‌دار نمی شدیم اما شش سال بعد از درمان به خواست خدا صاحب فرزند دختر شدیم. من به دخترم - شیرین - خیلی علاقه‌مند بودم و سلامتی جسمی و روحی‌اش برایم خیلی مهم بود». متهم در ادامه گفت: «معلم زبان عربی هستم و وقتی بعدازظهر از مدرسه به خانه به همسرم کمک کنم». از اومی خواستم صبح‌ها فقط به بچه برسد اما او رفتار خوبی با دخترمان نداشت و حتی به بچه شیر نمی‌داد. نعیمه خیلی عصبی شده بود به همین دلیل بارها از او گلله کردم اما فایده نداشت و نسبت به بچه خیلی بی‌تفاوت بود». متهم در خصوص قتل گفت: «روز حادثه از مدرسه به خانه آمدم و متوجه شدم شیرین گریه می‌کند. از همسرم خواستم او را ساکت کند اما گفت حوصله ندارد و رفت خوابید. عصبانی شدم و سرش داد کشیدم سپس به اتاق رفتم و ناخواسته دستم را روی گلویش فشار دادم. وقتی به خودم آمدم فهمیدم نفس نمی‌کشد». بعد از اقرارهای متهم، وی روانه زندان شد و پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده اولیای‌دم درخواست قضایی کردند سپس متهم خلاف اظهاراتش جرمش را انکار کرد و گفت در قتل نقشی نداشته است. در پایان هیئت قضایی بنا با اظهارات اولیه متهم و مدارک موجود در پرونده، آن مرد را به قصاص محکوم کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و بعد از تأیید آن در حالیکه متهم در آستانه مرگ قرار داشت به دلیل عدم پرداخت تضاضل دپه از سوی اولیای‌دم و عدم اجرای حکم، وی بعد از گذشت ۱۱ سال از حادثه درخواست تعیین تکلیف کرد. به این ترتیب پرونده صبح دیروز بار دیگر روی میز هیئت قضایی در همان شعبه به ریاست قاضی زالی قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه متهم در جایگاه ایستاد و گفت: «قبول دارم زمان حادثه به قتل اعتراف کردم اما باور کنيد در مرگ همسرم نقشی نداشتم. برای به دنیا آمدن دخترم خیلی انتظار کشیدم و حالا او ۱۱ ساله است و من همچنان در زندانم و بزرگ شدن او را ندیدم». در پایان متهم بنا شد و تحت بازجویی قرار گرفت. وی در بازجویی‌ها در شرح ماجرا گفت: «من و

آزادی معلم محکوم به مرگ باقرار وثیقه

همسرم بچه‌دار نمی شدیم اما شش سال بعد از درمان به خواست خدا صاحب فرزند دختر شدیم. من به دخترم - شیرین - خیلی علاقه‌مند بودم و سلامتی جسمی و روحی‌اش برایم خیلی مهم بود». متهم در ادامه گفت: «معلم زبان عربی هستم و وقتی بعدازظهر از مدرسه به خانه برمی‌گشتم سعی می‌کردم در کارهای خانه به همسرم کمک کنم». از اومی خواستم صبح‌ها فقط به بچه برسد اما او رفتار خوبی با دخترمان نداشت و حتی به بچه شیر نمی‌داد. نعیمه خیلی عصبی شده بود به همین دلیل بارها از او گلله کردم اما فایده نداشت و نسبت به بچه خیلی بی‌تفاوت بود». متهم در خصوص قتل گفت: «روز حادثه از مدرسه به خانه آمدم و متوجه شدم شیرین گریه می‌کند. از همسرم خواستم او را ساکت کند اما گفت حوصله ندارد و رفت خوابید. عصبانی شدم و سرش داد کشیدم سپس به اتاق رفتم و ناخواسته دستم را روی گلویش فشار دادم. وقتی به خودم آمدم فهمیدم نفس نمی‌کشد». بعد از اقرارهای متهم، وی روانه زندان شد و پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده اولیای‌دم درخواست قضایی کردند سپس متهم خلاف اظهاراتش جرمش را انکار کرد و گفت در قتل نقشی نداشته است. در پایان هیئت قضایی بنا با اظهارات اولیه متهم و مدارک موجود در پرونده، آن مرد را به قصاص محکوم کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و بعد از تأیید آن در حالیکه متهم در آستانه مرگ قرار داشت به دلیل عدم پرداخت تضاضل دپه از سوی اولیای‌دم و عدم اجرای حکم، وی بعد از گذشت ۱۱ سال از حادثه درخواست تعیین تکلیف کرد. به این ترتیب پرونده صبح دیروز بار دیگر روی میز هیئت قضایی در همان شعبه به ریاست قاضی زالی قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه متهم در جایگاه ایستاد و گفت: «قبول دارم زمان حادثه به قتل اعتراف کردم اما باور کنيد در مرگ همسرم نقشی نداشتم. برای به دنیا آمدن دخترم خیلی انتظار کشیدم و حالا او ۱۱ ساله است و من همچنان در زندانم و بزرگ شدن او را ندیدم». در پایان متهم بنا شد و تحت بازجویی قرار گرفت. وی در بازجویی‌ها در شرح ماجرا گفت: «من و



پرونده‌های همسر کشی با انگیزه‌های مختلف تشکیل می‌شود. اختلاف بین زوجین عمدتاً بر سر اختلاف‌های جزئی شروع شده و در گذر زمان به دلیل نداشتن مهارت‌های زندگی از سوی دو طرف به متناجره و گاهی حوادتی ناگوار مثل قتل منجر می‌شوند. در یکی از پرونده‌هایی که روز گذشته در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد آقا معلم محکوم به قصاص که از ۱۱ سال قبل به اتهام قتل همسرش در بازداشت به سر می‌برد با ارسال لایحه‌ای به دادگاه درخواست کرده بود مطابق قانون تکلیف او در زندان مشخص شود. از آنجا که اولیای‌دم حاضر به اجرای حکم قصاص یا گذشت متهم نشده‌اند او با قرار وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. به گزارش خبرنگار ما، ۱۱ سال قبل مرد ۴۰ ساله به نام یاسر در حالیکه فرزند چند ماهه‌اش را در آغوش داشت با مراجعه به اداره پلیس تهران به قتل همسرش اقرار کرد و گفت: «من و همسرم با هم اختلاف داشتیم تا اینکه سساتی قبل از شدت عصبانیت او از خفه کردم و حالا جسدم در خانه روی زمین افتاده است.» همزمان با ادعای آن مرد مأموران به آدرس خانه وی در خیابان خوش رفتند و با جسد همسر او به نام نعیمه روبه‌رو شدند که ساعتی از مرگ وی گذشته بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، آن مرد بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. وی در بازجویی‌ها در شرح ماجرا گفت: «من و

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۳۴۱۶۵۴